

بداء و افتتان و امتحان

حضرت بهاء الله، حضرت عبدالبهاء

اصلى فارسى



لوح رقم (19) - آثار حضرت بهاء الله - امر و خلق، جلد 1

۱۹ - بداء و افتتان و امتحان

از حضرت بهاء الله در کتاب ايقان است قوله الاعلى: "و بعد از مدتہا چند مرتبه وعده انزال نصر باصحاب خود فرمودند و در هر مرتبه بداء شد و بعضى از آن اصحاب معدوده بعلت ظهور بداء اعراض مينمودند تا آنكه باقى نماند از براى آنحضرت مگر چهل نفس و يا هفتاد و دو نفس ... و تصديق ثنائيد كه امتحانات الهيه هميشه در مابين عباد او بوده و خواهد بود تا نور از ظلمت و صدق از كذب و حق از باطل و هدايت از ضلالت و سعادت از شقاوت و خار از گل ممتاز و معلوم شود چنانچه فرموده الم احسب الناس ان يتركوا ان يقولوا آمنا و هم لا يفتنون."

و از حضرت عبدالبهاء است قوله العزيز: "ايتها المنشرحة الصدر بانوار الملكوت اعلى ان الحكمة الالهية اقتضت ظهور الامتحان و الافتتان فى عالم الامكان و لا يكاد يتم امر فى الوجود من غثه و ثمينه و حقيره و خطيره الا بالامتحان فلو كان ابواب الراحة و الغنى مفتوحة على وجه حوارى المسيح من اين كان يظهر خلوص پطرس الحوارى من خباثة يهودا الاسخريوطى انما ظهر فضائل الاول و رزائل الثانى بسبب الامتحان و الافتتان فهذا من جملة حكم ظهور الامتحان فى عالم الانسان و قوله العزيز امتحان از براى صادقان موهبت حضرت يزدان است زيرا شخص شجاع بميدان امتحان حرب شديد بنهايت سرور و شادمانى بشتابد ولى جبان بترسد و بلرزد و بجزع و فزع افتد و همچنين تلميذ ماهر دروس و علوم خویش را بنهايت مهارت تتبع و حفظ نمايد و در روز امتحان در حضور استادان در نهايت شادمانى جلوه نمايد و همچنين ذهب خالص در آتش امتحان با روى شكفته جلوه نمايد پس



ORIGINAL

واضح شد که امتحان از برای نفوس مقدسه موهبت حضرت یزدان است اما از برای نفوس ضعیفه بلای ناگهان."

حاشیه

در قرآن در سوره قتال است قوله تعالی: "ولنبلونکم حتی تعلم المجاهدین منکم و الصابرين و نبلو اخیارکم."

و در کتاب کافی در باب البداء از حضرت صادق است . ما بعث الله نبیا حتی یاخذ علیه ثلاث خصال الاقرار له بالعبودية و خلع الانداد و ان الله يقدم ما یشاء و يؤخر ما یشاء

و در تورات است . تارة اتکلم علی امه و علی مملکه بالقلع و الهدم و الاهلاک فترجع تلك الامة التي تکلمت علیها عن شرّها فاندّم عن الشرّ الذی قصدت لمن اضع بها و تاره اتکلم علی امه و علی مملکه بالبناء و الغرس فتنفعل الشرفی عینی فلا تسمع لصوتی فاندّم عن الخیر الذی قلت انی احسن الیها به .

و در کتاب مجمع البحرین است . و قد تكثر الاحادیث من الفريقین فی البداء مثل اعظم الله بمثل البدا و قوله ما بعث الله نبیا حتی یقوله بالبدا و فی حدیث صادق ما بد الله فی شیئی کما بد الله فی اسمعیل ابنی . از مواضع بدا در قدیم و جدید و قرآن قصه ذبح اسحق یا اسمعیل در غایت شهرت است و از مواضع آن در دوره حضرت رسول آیه قرآنیه و ما جعلنا الرؤیا التي اریناک الا فتنة للناس و شان نزول آن نیز کمال شهرت دارد و بداء مذکور در حق اسمعیل بن جعفر در آثار این امر نیز مذکور است و در کتاب بیان عقیده بداء از ارکان ایمان ثبت گردید و مواضع کثیره از بداء در دوره این امر بداء در قیام بمکه یاظهر کوفه در دوره حضرت نقطه یا بداء در حق محمد علی شاه در دوره حضرت عبدالبهاء در تاریخ این امر ثبت مییاشد .